

## جرایم قابل گذشت

### در قانون مجازات عمومی و سایر قوانین کیفری ایران

#### صفت مشخصه اینگونه جرائم چیست ؟

جرائم « قابل گذشت » در قوانین ایران به دو شکل پیش بینی شده است.

#### تکلیف گار در مورد مواد ۱۳۶ و ۱۷۵ ( مکرر ) چیست ؟

باتوجه باینکه مفاد مواد موضوع ماده (۲۷۷) تغییر یافته است - چه باید کرد؟

مقدمه - جرائم اصولاً و بطور کلی دارای دو جنبه و حیثیت هستند یکی جنبه عمومی از آن نظر که باعث اخلال و بهم زدن نظم اجتماع است و دیگری جنبه خصوصی و شخصی است از آن نظر که شخص معینی طرف جرم قرار میگیرد و باو خسارت جانی یا مالی یا مادی یا معنوی وارد میشود بنابراین مجرم از دو جهت مورد تعقیب واقع میشود از جهت عمومی و از جهت خصوصی - تعقیب مجرم از لحاظ عمومی با دادستانها و ضابطین اوست و تعقیب مجرم از لحاظ خصوصی با شاکی خصوصی و متضرر از جرم است . با توجه بمقدمه بالا باید دانست که هر چند کلیه جرائم از خلاف و جنبه و جنایت دارای هر دو جنبه هستند لکن از این حیث باهم برابر نبوده و شدت و ضعف دارند بدین توضیح که تعقیب بعضی از جرائم منحصراً با شاکی خصوصی و متضرر از جرم است که اگر شاکی خصوصی بملتی از علل نخواست مجرم را تعقیب کند شاکی عمومی یعنی دادستان طبق قانون دیگر حق تعقیب آن جرم و مجرم را ندارد زیرا قانون این حق را فقط بمتضرر از جرم داده است و این بدانجهت است که اینگونه جرائم یا حیثیت عمومی آنها ضعیف است و ارتکاب آنها خلل مهمی بنظم اجتماع وارد نمیکند مثل جرائم ترک انفاق و تهدید و کتک کاری یا اینکه حیثیت عمومی آنها قوی و شدیداً مخلل نظم است لکن بر ملا کردن آن با شرافت و آبرو و حیثیت و اعتبار اشخاص در اجتماع بستگی دارد و اگر شاکی خصوصی و متضرر از جرم نخواهد موضوع را دنبال کند برای حفظ آبرو و شرافت او قانون بدادستانها اجازه تعقیب این جرائم را نداده است که نمونه بارز این دسته از جرائم : هتک ناموس و منافیات عفت و سرقت بین خویشاوندان است و بالاخره نوع دیگری از جرائم وجود دارد که هر چند مدعی خصوصی نداشته باشد یا متضرر از جرم ، نخواهد مجرم را تعقیب کند معیناً دادستانها موضوع را تعقیب خواهند کرد مثل قتل و سرقت و داشتن اسلحه و غیره .

بدیهی است که رعایت این امر در قوانین جزایی کاملاً ضروری است زیرا در غیر اینصورت تعداد شکایتها و پرونده‌ها به نسبت فوق‌العاده‌ای بالا رفته و آبرو و اعتبار اشخاص در معرض خطر قرار می‌گیرد و این خلاف سیاست قضایی است.

در قانون مجازات عمومی ایران و سایر قوانین کیفری نیز این موضوع رعایت شده و انواع جرائم یاد شده در آن پیش‌بینی گردیده و البته در این مقاله از همه آنها بحث نخواهد شد زیرا خارج از موضوع این مقاله است.

### جرایم قابل گذشت :

آنچه در اینجا مورد نظر است : تعداد و شمارش جرائم قابل گذشت از طرف شاکی خصوصی و متضرر از جرم است زیرا دانستن آن برای قضاتی که با امور کیفری سروکار دارند ضروری و برای مردم مفید است.

**صفت مشخصه** این جرائم در اینست که اگر فرضاً جرمی از این قبیل واقع شود و دادستان هم بوسیله‌ای از آن مستحضر گردید بدون شکایت شاکی و متضرر از جرم حق تعقیب مجرم را ندارد. فی‌المثل اگر از طرف کسی بدادستان اعلام شد که زن شوهر داری با مرد بیگانه‌ای رابطه نامشروع دارد و برای دادستان هم وقوع حادثه مسلم باشد قبل از شکایت شاکی خصوصی (که در اینجا شوهر آن زن است) حق تعقیب زن و مرد مجرم را ندارد یا اگر فرضاً شکایت هم شد و پرونده تشکیل گردید ولی بعداً شاکی خصوصی رضایت داد باز هم دیگر دعوی تعقیب نمی‌شود.

### جرایم قابل گذشت در قوانین کیفری ایران بدوشکل پیش‌بینی شده :

**اول** اینکه در مادهٔ بخصوصی از قانون شمارهٔ موادی از قانون را که جرائم مذکور در آن مواد قابل گذشت است شمارش می‌کند (مثل مادهٔ ۲۷۷ قانون مجازات عمومی).

**دوم** اینکه در هر قانون مخصوص یا مادهٔ قانون، قابل گذشت بودن آن را در ذیل مواد تصریح می‌کند و ذیلاً هر دو نوع بیان میشود :

**اول -** مادهٔ ۲۷۷ قانون مجازات عمومی میگوید - نظر بمادهٔ ۶ اصول محاکمات جزایی که امکان تعقیب قسمتی از جرمهایی را موقوف بشکایت مدعی خصوصی نموده است در مورد جرمهای مذکور در مواردی که ذیلاً معین است، تعقیب جزایی شروع نمیشود مگر بتقاضای مدعی خصوصی و اگر مشارالیه شکایت خود را مسترد نمود تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد مگر اینکه متهم سابقاً محکومیت جنحه یا جنایت داشته باشد. در صورتیکه مدعی خصوصی شکایت خود را مسترد نماید دعوی خصوصی ( خسارت ) را فقط در محکمه حقوق میتواند اقامه نماید.

موارد مذکور فوق بشرح زیر است :

۱- قسمت دوم مادهٔ ۱۷۳ قانون مجازات عمومی - ایراد ضرب و جرح عمدی یا کتک‌زدن که کمتر از ۲۰ روز احتیاج بمعالجه داشته باشد. ( تبصرهٔ ذیل مادهٔ ۱۷۳ که راجع به جرح با چاقو است غیر قابل گذشت است).

۲- مادهٔ ۱۷۴ ق م ع - جرح یا ضرب غیر عمد

۳- قسمت دوم مادهٔ ۱۹۳ ق م ع - توقیف غیر قانونی در صورتیکه از ۵ روز تجاوز نکند.

- ۴- ماده ۱۹۷ ق م ع - امتناع از تحویل طفلی که بکسی سپرده شده باشد .
- ۵- ماده ۲۰۷ ق م ع - هتك ناموس بعنف یا تهدید ولواط - هتك ناموس زنی که ۱۸ سال یا کمتر داشته باشد بدون عنف - هتك ناموس یکی از محارم - زنی که تمکین بهتك ناموس کرده است .
- ۶- ماده ۲۰۸ ق م ع - عمل منافی عفت بعنف یا تهدید غیر از هتك ناموس - از الہ بکارت در نتیجه عمل منافی عفت بعنف یا تهدید - ورود مرد اجنبی بفراش زن بدون رضای او بقصد عمل منافی عفت - عمل منافی عفت غیر از هتك ناموس بدون عنف یا تهدید نسبت بطفلی که ۱۸ سال یا کمتر داشته باشد .
- ۷- ماده ۲۰۹ ق م ع - ربودن یا مخفی کردن کسی را بعنف یا تهدید یا حیلہ برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن بعمل مزبور - ربودن یا مخفی کردن زنی را برای ازدواج شخصاً یا بوسیله دیگری بعنف یا تهدید یا حیلہ - ربودن یا مخفی کردن شخصی که بیش از ۱۵ سال و کمتر از ۱۸ سال دارد برای عمل منافی عفت با رضایت او - ربودن یا مخفی کردن زنی که ۱۸ سال یا کمتر داشته باشد با رضایت او برای ازدواج شخصاً یا بوسیله دیگری
- ۸- ماده ۲۱۰ ق م ع - ارتکاب علنی عملیکه منافی عفت است یا عفت عمومی را جریحه دار نماید .
- ۹- ماده ۲۱۳ ق م ع - عایدات و معیشت قرار دادن درآمد حاصله از فحشاء زنی - حمایت از فاحشه در شغل فاحشگی - تشویق نمودن یا تسهیل کردن مسافرت بخارج یا بردن زنی را با رضایت او بخارج با علم بر اینکه آن زن در خارجه بشغل فاحشگی مشغول خواهد شد .
- ۱۰- ماده ۲۳۵ ق م ع - تهدید کتبی یا شفاهی کسی بقتل یا بضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشاء سربا نسبت دادن اموریکه موجب هتك شرف است .
- ۱۱- ماده ۲۴۴ ق م ع - رقابت مکارانه - کم فروشی یا فریب دادن مشتری - عتیقه قلمداد کردن اشیاء نو
- ۱۲- ماده ۲۴۵ ق م ع - بطبع رساندن تصنیف یا تألیف دیگری شخصاً یا توسط غیر .
- ۱۳- ماده ۲۴۶ ق م ع - بکار بردن تألیف یا تصنیف دیگری بدون ذکر مؤلف یا مصنف .
- ۱۴- ماده ۲۴۸ ق م ع - طبع تصنیف یا تألیف دیگری باسم خود یا غیر .
- ۱۵- ماده ۲۵۴ - ق م ع - تخریب اسباب و ادوات زراعت یا زاغه دواب یا کلبه دهقانی .
- ۱۶- ماده ۲۵۵ ق م ع - مسموم یا تلف کردن دواب و مواشی و ماهی دیگری بدون ضرورت .
- ۱۷- ماده ۲۵۶ ق م ع - کشتن یا مسموم کردن یا ناقص کردن حیوانات اهلی حلال گوشت .
- ۱۸- ماده ۲۶۰ ق م ع - سوزانیدن یا تلف کردن اسناد یا اوراق تجارتنی یا اسناد مالی دیگر .

۱۹ - ماده ۲۶۲ ق م ع - چرانیدن و درو کردن حاصل یا خراب کردن حاصل دیگری - خراب کردن تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان یا خشک کردن آنها بواسطه سرعت یا قطع آب - آب کردن یخ یخچال دیگری بعمد - از استفاده انداختن عمدی حمام یا آسیاب دیگری بشرط اینکه در کلیه موارد مذکور متهمین سه نفر کمتر بوده و در شب نباشد و اسلحه نداشته باشند.

۲۰ - ماده ۲۶۴ ق م ع - تغییر یا محو حد فاصل بین املاک عالمأ

۲۱ - ماده ۲۶۵ ق م ع - ورود بقهر و غلبه بملك دیگری که محصور باشد.

۲۲ - ماده ۲۶۸ ق م ع - تصرف ملك دیگری بقهر و غلبه

۲۳ - ماده ۲۷۱ ق م ع - افترا زدن بدیگری بشرطیکه نتواند ثابت کند

۲۴ - ماده ۲۷۲ ق م ع - هجو کسی نظماً یا نثراً و انتشار آن

دوم - جرائم قابل گذشتی که در ذیل مواد یا قوانین تصریح شده و عبارتند از:

۱ - قسمت دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی - اهانت بر رئیس مملکت خارجی یا

نماینده سیاسی خارجی در ایران

۲ - فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی - مرد متأهلی که با زنی

رابطه نامشروع داشته باشد - زن شوهر داری که با مردی رابطه نامشروع داشته باشد -

مردیکه با زن شوهر دار رابطه نامشروع داشته باشد.

۳ - ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی - ندادن نفقه یا طلاق زن در صورت تمکین او -

ندادن نفقه اشخاص واجب النفقه.

۴ - ماده ۲۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی - سرقت عادی در صورتیکه مرتکب قرابت

نسبی درجه اول - دوم یا سوم یا قرابت سببی درجه اول یا دوم با مدعی خصوصی داشته باشد.

۵ - ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی - صدور چک بلا محل

۶ - فقرات ج - د - ه ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی - تجاوز بحق صاحب اختراع

و فروش محصولات معمول - دادن اسرار اختراع بدیگری یا استفاده از اختراع با شرکت

دیگری توسط کارگر یا مستخدمی که در کارخانه یا مؤسسه مخترع کار میکرده - افشاء اسرار

اختراع دیگری توسط رازدار.

۷ - ماده ۱۰۵ قانون ثبت - تقاضای ثبت ملكی که قبلاً بدیگری منتقل شده .

۸ - ماده ۱۰۶ « « - وارثی که با علم به سلب مالکیت مورث تقاضای ثبت ملك

ویرا نماید.

۹ - ماده ۱۰۷ قانون ثبت - تقاضای ثبت ملكی توسط امین .

۱۰ - ماده ۱۰۸ قانون ثبت - ثبت ملك بنام دیگری بلحاظ خیانت یا تبانی امین

۱۱ - ماده ۱۰۹ قانون ثبت - تقاضای ثبت ملكی که در تصرف دیگری است .

۱۲ - ماده ۶ قانون قاچاق - کسیکه مرتکب بزه قاچاق شود .

۱۳ - ماده ۵ قانون ازدواج - زن یا شوهری که قبل از عقد طرف خود را فریب دهد.

۱۴ - ماده ۶ قانون ازدواج - مردیکه در موقع ازدواج بر خلاف واقع خود را بی زن

قلمداد کند .

۱۵ - ماده ۱۸ قانون مطبوعات - اهانت بر رئیس یا نماینده سیاسی خارجی بوسیله

مطبوعات .

- ۱۶ - ماده ۲۰ قانون مطبوعات - افترا و تهمت بدیگری در روزنامه یا مجله
- ۱۷ - ماده ۲۲ قانون مطبوعات - توهین واقفرا بوزیر یا معاون یا نمایندگان مجلسین یا مستخدمین دولت بوسیله روزنامه یا مجله .
- ۱۸ - ماده ۳۳ قانون مطبوعات - تقلید سرلوحه یا نام مجله یا روزنامه دیگر .
- ۱۹ - ماده ۹ قانون بیماریهای آمیزشی - مبتلاکردن دیگری به بیماری آمیزشی واگیردار .
- ۲۰ - ماده ۱۰ قانون بیماریهای آمیزشی - شیردادن طفل سالم دیگری بوسیله زنیکه مبتلا به کوفت است .
- ۲۱ - ماده ۳ قانون تشدید مجازات رانندگان - صدمه بدنی بوسیله ماشین وسایر وسائل نقلیه که معالجه آن دوامه یا که مترطول بکشد .
- ۲۲ - ماده ۴ قانون تشدید مجازات رانندگان - صدمه بدنی بوسیله وسایل نقلیه که معالجه آن زائد بردوامه یا سبب ضعف دائم یکی از حواس یا نقصان عضو یا وضع حمل زن قبل از موعد گردد .

\*\*\*

هرچند که موارد مذکور صریح است لکن در عمل اغلب با اشکالاتی مواجه می شود از جمله اشکالات موجود یکی : ماده ۱۳۶ قانون مجازات عمومی است بدین شرح (هرگاه یکی از مستخدمین دولتی در ضمن انجام وظیفه خود یا بمناسبت آن بدون مجوز قانونی کسی را آزار کند یا امر باآزار کسی بنماید بحد اکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد ) بطوریکه مشهود است در این ماده، قابل گذشت بودن جرم قید نشده و جزء موارد مذکور در ماده ۲۷۷ هم نیست حال باید دید اگر مستخدمی فی المثل در ضمن انجام وظیفه کسی را مورد ایراد ضرب قرار داد با توجه باینکه خود ایراد ضرب علی الاصول قابل گذشت است مستخدم موصوف هم مشمول میشود یا خیر - در اینجا دو عقیده هست عده ای معتقد بقابل گذشت بودن جرم وعده ای دیگر معتقد بخلاف آن هستند ولی اصلح قابل گذشت دانستن آن است زیرا **اولاً** در هر جاکه ماده ای از قوانین جزائی قابل تفسیر باشد باید برفع منتهم تفسیر شود . **ثانیاً** خود ماده ۱۳۶ جرم و مجازاتی را پیش بینی نکرده است بلکه معطوف بمواد دیگر نموده و در واقع کیفیت مشدده ای قائل شده است بنا بر این اگر مستخدمی در ضمن انجام وظیفه مرتکب یکی از بزه های قابل گذشت شد و طرف از شکایت خود صرف نظر نمود دیگر نباید تعقیب شود .

**مورد دیگر ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی است که میگوید (هرگاه در قتل یا ضرب یا جرح عمدی که در غیر مورد منازعه واقع شده دو یا چند نفر دخالت نمایند بدون اینکه معلوم گردد مرتکب اصلی کدام یکی است هر یک از مداخله کنندگان در صورت وقوع قتل سه الی ده سال حبس با اعمال شاقه و در صورت وقوع ضرب و جرح بر حسب مورد بمجازاتهای مقرر در ماده ۱۷۲ یا ماده ۱۷۳ محکوم میگردد .)** بطوریکه ملاحظه میشود در این ماده هم قابل گذشت بودن قید نشده و در ماده ۲۷۷ هم ذکر ای از ماده ۱۷۵ مکرر بعمل نیامده است . حال اگر جرح یا ضرب عمدی در غیر مورد منازعه واقع شود و موضوع مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۳ باشد آیا در صورت انصراف از شکایت باز هم باید موضوع تعقیب شود

یا خیر - بدیهی است با استدلال مذکور برای ماده ۱۳۶ اینمورد را هم باید قابل گذشت دانست بخصوص اینکه حکم شماره ۱۳۳۷ - ۳۷/۳/۱۲ هیئت عمومی دیوانعالی کشور نیز مؤید این نظریه است و اشعار میدارد (درمورد ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی گذشت مدعی خصوصی موجب موقوفی تعقیب متهم است).

البته اشکالات دیگری هم در عمل موجود است که بر حسب مورد باید تحت مطالعه قرار گیرد. منجمله ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی بطور اطلاق مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ و ۲۱۰ را قابل گذشت دانسته در حالیکه این مواد بعداً تغییراتی کرده اند و با مواد سابق تفاوت دارند و در حقیقت قانونگذار مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ و ۲۱۳ سابق را قابل گذشت دانسته نه مواد فعلی را لکن از آنجا که در حین تغییر این مواد قانونگذار لاحق ماده ۲۷۷ را تغییر نداده است و قانون مجازات هم قابل تفسیر نیست لهذا در حال حاضر هم همان مواد را باید قابل گذشت دانست و بر طبق آن عمل کرد البته این طرز قانونگذاری قابل انتقاد است زیرا در عمل اشکالاتی بوجود میآورد. مثلاً در حال حاضر ماده ۴۰۸ مکرر غیر قابل گذشت است در حالیکه جرم مذکور در ماده ۲۰۸ مکرر نیز در ردیف جرائم مواد ۲۰۷ و ۲۰۸ قانون مجازات عمومی است. همینطور است بند (ب) ماده ۲۱۴ مکرر که **افترای ناموسی** و غیر قابل گذشت میباشد حال اینکه از یکطرف خود بزه ناموسی و از طرف دیگر انواع افترا قابل گذشت هستند و ثقیل بنظر میرسد که **افترای ناموسی غیر قابل گذشت** باشد. بالعکس جرم ذکر شده در ماده ۲۱۰ قانون مجازات عمومی قابل گذشت می باشد در حالیکه حقاً نباید اینطور باشد زیرا همانطور که در خود ماده قید شده عملی است که علناً عفت عمومی را جریحه دار مینماید و این عمل هر چه باشد ایجاب میکند که مرتکب از طرف دادستان قابل تعقیب باشد چه عملی که عفت عمومی را جریحه دار کند، نظم عمومی را هم بهم میزند و جامعه چنین شخصی را تعقیب میکند نه فرد معینی که بخواهد صرف نظر کند مثل کسیکه در خیابان لخت راه برود.

دیگر از اشکالات موجود، ماده ۲۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی است که جرائم مذکور در مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ را در صورتیکه مرتکب قرابت سببی یا نسبی با مدعی خصوصی داشته باشد قابل گذشت دانسته و اشکال در اینست که در ماده فقط از درجات قرابت نام برده در حالیکه قرابت سببی و نسبی طبق قانون مدنی به طبقات و درجات تقسیم شده و معلوم نیست که درجه اول و دوم و سوم این ماده مربوط بکدامیک از طبقات است بملاوه در ماده نامبرده از زن و شوهر که جزء هیچیک از درجات و طبقات نیستند ذکری بمیان نیاورده است.

در خاتمه هر چند که درباره اشکالات مذکور اظهار نظر و تفسیر بخصوص از طرف دیوانعالی کشور بعمل آمده لکن طبق قوانین کیفری ایجاب میکند که مواد قانون طوری جامع و مانع وضع شوند که احتیاج به تفسیر نداشته و جای هیچگونه شك و شبهه ای باقی نماند.